



جراحان اروپا و جراحان ایران

دکتر محمد علی امامی میبدی
عضو انجمن جهانی تاریخ پزشکی

خلاصه و مقدمه

مکتب جراحی ایران باستان قبل از اسلام در زمان هخامنشیان و ساسانیان و حتی پیش از عصر هخامنشیان، یعنی در زمان ظهور زرتشت پیامبر ایرانی که به روایت تاریخ، حداقل یکهزار سال پیش از میلاد مسیح می زیسته است، مکتبی پیشرفته بوده است.

هر چند آثار تمدن و فرهنگ از جمله آثار پزشکی - ایران در حمله اسکندر مقدونی (۳۲۳ سال پیش از میلاد) از میان رفت، با اینهمه اسکندر دستور داده بود که در سوزاندن کتب، کتب پزشکی را جدا کنند و آنها را همراه با انبوهی از سیم و زر ناب به یونان منتقل نمایند.

آثار فرهنگی عصر ساسانیان نیز در حمله اعراب از میان رفت و اندکی از آثار پزشکی که در دانشگاه و بیمارستان جندی شاپور باقی مانده بود، در زمان خلافت بنی عباس به بغداد منتقل شد، بعدها در انبوهی از آثار پزشکی که از سراسر دنیای فتح شده توسط مسلمانان در بیت الحکمه جمع آوری شده بود، به زبان عربی ترجمه و نسخه اصل آنها از بین رفت.

علیرغم واقعیات فوق، وندیداد که

بخشی از کتاب مقدس زرتشتیان «اوستا» می باشد و نیز آثار باستان شناسی که از بین النهرین، آسیای میانه و شوش بدست آمده و نیز پژوهشهای ارزنده ای که توسط برخی از شرق شناسان صورت گرفته است، و یا کندوکاو در آثار غیر پزشکی از قبیل شاهنامه فردوسی، نشان می دهد که جراحی در ایران پیش از اسلام همانند شاخه های دیگر طب، رونق چشمگیری داشته است.

همچنین بررسی تاریخ پر افتخار طب اسلامی حاکی از عظمت اعمال جراحی است که توسط نوابغی چون رازی، اهوازی، زهراوی و دهها پزشک و جراح دیگر در عصر زرین تمدن و فرهنگ اسلامی یعنی سده های دوم تا هفتم هلالی (سده های هشتم تا سیزدهم میلادی) صورت می گرفته است ناگفته پیداست که طب اسلامی برگرفته طب جندی شاپوری بنا شده است و بعداً نیز توسط ایرانیان اداره می شده است. و همین جراحی اسلامی بوده است که از دو طریق، یکی توسط اسپانیای مسلمان و سرزمین های خلافت غربی و دیگری از طریق جنگجویان صلیبی که طی دو قرن با شگفتی تمام شاهد درمان مجروحین جنگی توسط جراحان

مسلمان بودند، به غرب راه یافت و زمینه تجدید حیات پزشکی عقب مانده و بدوی اروپا را فراهم ساخت. *

روش تحقیق

در مورد جراحی ایران باستان می بایست از کتب غیر پزشکی مانند تواریخ عمومی، تاریخ تمدن و فرهنگ، تاریخ ادبیات و نیز از کتاب اوستا استفاده کرد (مانند آنها توسط جستجویم).

اما بررسی و پژوهش در تاریخ جراحی اسلامی آسانتر است. زیرا افزون بر کتب پزشکی چون الحاوی و المنصوری رازی، کامل الصناعه فی الطب اهوازی، هدایه المتعلمین فی الطب اخوینی بخاری، قانون بوعلی، ذخیره خوارزمشاهی و الاغراض الطیبه جرجانی و بالاخره از التعریف ابوالقاسم زهراوی و دهها اثر جراحی دیگر که در دست داریم و حاوی مباحث ارزنده ای از جراحی های کوچک و بزرگ است، مورخین و محققینی چون ویل دورانت، ادوارد براون، فنتزمر، سیریل الگود، زیگرید هونیکه، پرفسور سید حسین نصر، استاد محمود نجم آبادی، دکتر علی اصغر حلبی، نویسندگان

(*) داستان سرقت عظیم کتب پزشکی اسلامی توسط کنستانتین افریقایی و انتقال آنها به دیر سالرنو ایتالیا و ترجمه آنها بزبان لاتینی و حذف نام نویسندگان اصلی آنها یعنی اهوازی و رازی و ... و جایگزین کردن نام خود، بدر سده دوازدهم میلادی، مشهور و حیرت انگیز است و شرح آن احتیاج به بررسی جداگانه ای دارد.



دائرة المعارف بزرگ اسلامی و چند نویسنده و متفکر ایرانی و مسلمان در سالهای پس از انقلاب آثار ارزنده ای در طب و جراحی ایران و اسلام در اختیار ما گذاشته اند.

لیکن در میان انبوه این نوشته ها بدلائل بسیار از جمله ضیق وقت و کم حوصلگی اطباء و جراحان و دانشجویان علوم پزشکی - که صاحبان اصلی این فن شریف و مخاطب ما هستند، ناگزیر چند مأخذ کم حجم (و ترجمه شده به زبان فارسی) را بررسی و شواهدی ذکر کرده ایم . باشد که این عزیزان بویژه دانشجویان جوان - کهنه پارچه تاریخ پزشکی و جراحی میهن خود را باز کنند و لعل ناب را از میان آن بدر آورند تا ببینند که : آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می کرد.

بحث

سنریهم آیاتنا فی الأفق و فی انفسهم . قرآن مجید، سوره ۴۱، آیه ۵۳.

و قد يتصدى قوم لاخراجها - اخراج سنگ کلیه - من الخاصره و من الناحیه پست یعنی از لگن خاصره و از ناحیه پست (قانون، ط . رحلی، ج سنگی، کتاب سوم، ج دوم، ص ۲۵۸).

عمل جراحی سزارین به روایت شاهنامه فردوسی

تولد نوزاد نزد زنان آبستنی که بدلائل بالینی از مجرای طبیعی زایمان ممکن نیست و جراح ناگزیر از راه برش جراحی نوزاد را از رحم زائو خارج می کند، از آن رو عمل سزارین Cesarin Operation نامیده اند که گفته اند نخستین بار عمل مذکور بر روی سزار (قیصر) روم در قرون اولیه

میلادی، صورت گرفته است.

اما دلایلی موجود است که عمل مذکور پیش از تولد سزار در ایران باستان رایج بوده است. از جمله در داستان شیرین بدنیا آمدن رستم از رودابه که قهرمان افسانه ای ایران باستان بوده و حکیم طوس آن را در شاهنامه به نظم آورده است، شرح مفصلی از عمل مذکور ارائه شده است. پیش از نقل گزیده ای از داستان مربوط لازم بیادآوری است که به اعتقاد مفسرین و شراحان، حکایات شاهنامه بر اساس مکتوبات تاریخی ایران باستان که در حمله یونانیان و اسکندر به ایران از میان رفته است، نقل شده و فردوسی که رسالت ملی و میهنی خود را در حیات مجدد زبان پارسی می دانسته، نامه های قهرمانان را تغییر داده است. علاوه بر این شرح دقیق عمل، حاکی از شناخت و اقدام پزشکان ایرانی در جراحی فوق است و فرقی نمی کند که نام زائو و نوزاد چه بوده است. توجه فرمائید:

بیامد یکی موبد چیره دست
مرآن ماهرخ را به می کرد مست

شکافید بی رنج پهلوی ماه
بتابید مریجه را سرز راه

شبانروز مادر به می خفته بود
ز می خفته هم دل زهش رفته بود

همان ز خمگاهش فرو دوختند
به دارو همه درد بسوختند

در بیت اول از چیره دستی پزشک (موبد) و بیهوشی زائو با می، در بیت دوم از برش بدون درد و تغییر وضعیت جنین، در بیت سوم خفتن مریض بیست

و چهار ساعت بعد از عمل در بیهوشی کامل، و در بیت چهارم خفتن و بستن محل زخم در ناحیه پهلو و از میان بردن درد با استفاده از دارو سخن گفته است.

بنابراین پروفیسور سید حسین نصر حق دارد که باید بجای عمل سزارین، آن را عمل رستمی Rostamin Operation بنامیم (۱).

چنانچه بر ما ایراد کنند که نمی توان افسانه را پایه ادعای علمی قرار داد، می گوئیم:

بررسی «وندیداد» که بخشی از کتاب مقدس زرتشتیان «اوستا» است و آن را گفته های زرتشت پیامبر ایرانی حداقل در یک هزار سال پیش از میلاد مسیح می دانند (۲) حاوی مطالب گسترده و ارزنده ای در بهداشت و درمان، از جمله در انجام اعمال جراحی است و حکایت از آن دارد که قریب سه هزار سال پیش، پزشکان به سه طبقه و گروه تقسیم می شده اند که عبارتند از:

۱ - روانپزشکان (موبدان، شفا دهندگان با استفاده از عوامل روحی و روانی مانند تلقین، دعا و ...)

۲ - دارو پزشکان یا گیاه پزشکان (شفا دهندگان با داروهای گیاهی، کانی و جانوری و ...)

۳ - کارد پزشکان (جراحان که با استفاده از ابزار جراحی به شفای بیماران می پرداخته اند).

همچنین قوانین نظام پزشکی که در اوستا آمده است، نشان می دهد که جراحان ایران باستان به مراتب از جراحان قرون وسطای اروپا - که دلاکان ساده ای بیش نبودند - حاذق تر بوده و بر اعمال آنها نظارت دقیق علمی وجود داشته است. در همان کتاب آمده است که: جراح هنگامی اجازه دارد یک مزدپرست را عمل کند که دست کم



- آدلف فوناهن Adolf Fonahan
در کتاب منابع پزشکی ایران
(لابیرنگ، ۱۹۱۰) از چهارصد اثر فارسی
طبی و جراحی که بعد از حمله مغول تا
قرن اخیر نوشته شده و از ۲۵ تن پزشک
بزرگ نام می برد که بخش اعظم آنها
ناشناخته مانده است.

- در قرن دهم میلادی در قرطبه
بزرگترین جراح یعنی ابوالقاسم زهراوی
که اروپائیان او را Albucasis هم
گفته اند، به طبابت و جراحی و تالیف
بزرگترین کتاب جراحی پرداخت.

- در قرن دوازدهم سید اسماعیل
جرجانی کتاب ذخیر را نوشت که با
قانون ابن سینا برابر بود. . . . و
بخش هایی از آن به جراحی های مختلف
اختصاص یافته بود و بخصوص در
کتاب هفتم که مشتمل بر ۷ مقاله است از
آماس، آسه، سرطان، زخمها و
خراش ها، شکستگیها و جابجاشدن و
در رفتن استخوان سخن می گوید.

- لغت مارستان اشتقاق از واژه
بیمارستان فارسی است. . . . در
بیمارستانهای کشورهای اسلامی. . . .
یک قسمت برای مبتلایان به تب (بخش
عفونی)، یکی برای معالجه چشم درد
(بخش چشم)، یکی جهت جراحی،
یکی اسهال خونی و دردهای وخیم
احشاء، اطاقهای درس، انبار دارو، انبار
لوازم پزشکی، اطاقهای خاص اساتید،
پزشکان، پرستاران و نظایر آن
اختصاص داده شده بود.

- پنجاه پزشک و جراح حاذق از
اقصای چین و هند و مصر و سوریه و
دیگر ممالک به آن محل (نخستین شهر
دانشگاهی جهان بنام ربیع رشیدی در قرن
سیزدهم میلادی) که توسط رشیدالدین
فضل ا. . . . طبیب، در تبریز بنا شده بود
جلب شده بودند و برای دستیاری هر

اما چه شده است که از جراحی ایران
باستان اطلاعات اندکی داریم و یا
می بایست بجای مراجعه به آثار پزشکی
به کتب تواریخ عمومی، ادبیات، دینی
و پایه آثار باستان شناسی - که متأسفانه
در مراکز علمی و موزه های خارج از
ایران وجود دارد - رجوع کنیم، بهتر
است پاسخ را از ادوارد براون (۶)
بشنویم:

- متأسفانه هر دو دوره مجد و
عظمت ایران باستان یعنی دوران
هخامنشی و ساسانی با یورش تباہ کننده
بیگانگان (یونان و عرب) که باعث
نابودی کامل دانش و فرهنگ (و
پزشکی) بومی شد، پایان یافت. . . .
مع الوصف اوستا از سه طبقه مردم
شفابخش که موبدان، پزشکان و
جراحان بودند، نام می برد. از ایران
باستان که بگذریم، تاریخ جراحی ایران
(و سرزمین های اسلامی) پس از انتقال
مکتب چندشاپور به بغداد و احداث
بنای عظیم طب اسلامی در مراکز
چون بغداد، ری، نیشاپور، سمرقند و
بخارا، مصر، سوریه، آندلس، ایتالیا و
جنوب فرانسه و . . . اسناد معتبری در
اختیار دارد.

باز هم از ادوارد براون (۶) بشنویم
که:

- کتاب المللی (یا کامل الصناعه فی
الطب) علی بن عباس مجوسی اهوازی
که ترجمه لاتینی و عربی آن را می توان
از کتابخانه ها گرفت، حاوی چهارصد
هزار لغت و بیست مقاله است. . . .
مقاله دوم و سوم آن مربوط به تشریح و
مقاله نوزدهم که مشتمل بر ۱۱ فصل
است، کلاً مربوط به جراحی است.

- مردی نزد یکی از اطباء مسلمان
(ابن بطلان) به محل مخصوص جراحی
او که در حلب بود رفت و . . .

عمل نظیر آن را روی سه نفر مزدپرست
انجام داده باشد و بیمار را شفای کامل
داده باشد و . . . (۳)

در مقدمه کتاب تاریخ پیدایش و
تکامل جراحی (۴) از قول دکتر
غلامرضا افشار نادری، جراح با سابقه
ایرانی می خوانیم:

- باینکه ایران . . . دانشمندان
ارزشمندی به جهان پزشکی عرضه کرده
است، و علیرغم یافته های دیرین شناسی
آثار قطع بازوی راست در اسکلتی از
انسان ماقبل تاریخ که در ارتفاعات
زاگرس در غرب ایران پیدا شده و
چگونگی بیهوش کردن و . . . گواهان
خوبی بر شناخت نیاکان ما از جراحی و
بیهوشی و استفاده از داروهای تسکین
دهنده درد در این مرز و بوم بوده است.

چگونه ممکن است مردمی که چهل
و پنج هزار سال پیش آمپوتاسیون باز و
صدها سال قبل عمل جراحی
می کرده اند و برای درمان شکستگیها و
زخمهای جنگی یا تصادفی و . . . بیگانه
باشند. بر پژوهندگان جوانست که با
بررسی آثار گذشتگان پرده از تاریخ
درخشان جراحی نیاکان خود بردارند
(۴).

استاد علامه حضرت آیت . . .
حسن زاده آملی (۵) می فرماید:

اول ملتی از قدما که به علم شریف
تشریح (و به تبع آن جراحی) اعتناء
کرده بود حکمای اصطخر فارس بودند
و پس از آنها اطباء مصر به تکمیل
صنعت اجساد موتی و ذخیره کردن و
تازه و خوب نگاهداشتن آنها بیشتر از
شفای مرضی اهتمام داشتند، لذا در
شکافتن بدن انسانها و مویایی کردن آنها
به مطالبی تشریحی دست یافتند. بعد از
آنها یونانیان در این علم شریف بیشتر
دقت کردند و اعتنای زیادی نمودند. . .



یک از آنها ده تن دانشجو (رزیدنت) تعیین شده بود (۶).

خانم زیگرید هونیکه، پزشک و محقق آلمانی در اثر تحقیق ارزنده خود (۷) جراحان ایرانی و مسلمان را با همکاران اروپایی خود مقایسه کرده و می گوید:

- کلیسا جراحی کردن را ممنوع و اعلام کرده بود: شرم آور است که یک استاد طبیب با دست کار کند. گرگورفون تور Gregor von Tour در ۵۹۴ میلادی گفته بود: این جراحان با این آلاتشان چکار می توانند بکنند، اهم کارشان زیاد کردن درد است.

- تا قرن ۱۲ میلادی در اروپا بیمارستان وجود نداشت. با جنگ های صلیبی بود که به تقلید از مسلمانان در اروپا هم بیمارستان (و بخش جراحی) دائر شد ولی در آنها از معالجه واقعی خبری نبود، یکی از اولین بیمارستانهای اروپا هتل دیو Hotel Diue پاریس بود که در ۱۵۳۶ تاسیس شد. . . . هوای متعنی داشت و درب های آن شبانه روز باز بود و اجساد مردگان ۲۴ ساعت و بیشتر در کنار بیماران باقی می ماند و . . . در همان زمان بیمارستانهای شرق چنان وضعیتی داشت که یک سرباز زخمی صلیبی به پدرش نوشت: هرگاه از بیمارستان مرخص بشوم یک دست لباس و ۵ سکه طلا دریافت خواهم کرد تا دوران نقاهت خود را بدون کار بسر برم. . . . من در بخش ارتوپدی در جنب سالن جراحی بستری هستم. . . . دست چپ کتابخانه و سالن بزرگ تدریس است. . . . از آنجا که گذشتی مستقیماً می رود به بخش زنان. . . شما باید از دست راست بروی و از بخش اداری و بخش جراحی رد بشود. . . در بخش دیگر با کتاب و موسیقی بیماران روحی

را درمان می کنند.

- برای ریاست بیمارستان عضدی بغداد (که سالی یک میلیون درهم از موقوفات خرج آن می شد) از بین صد نفر پزشک که کاندید شده بودند، رازی کاردانی و برتری خود را به اثبات رساند. اکنون ۲۴ پزشک متخصص امراض داخلی، اعصاب، جراح، شکسته بند (orthoped) و چشم پزشک زیر نظر او کار می کنند.

- در ۹۳۱ میلادی بدستور خلیفه، سنان بن ثابت مامور شد که از ۸۶۰ پزشک بغداد امتحان بعمل آورد و در صورت توفیق گواهینامه صادر کند. . . . امتحان برای کسب اجازه جراحی این بود که در مورد تشریح و جراحی نوشته های روز بویژه کتاب جراحی علی بن عباس اهوازی را فهمیده باشند و در عمل بتوانند شکستگی و در رفتگی، دفع سنگ مثانه، عمل لوزتین، جراحی چشم، دفع دمل، بریدن دست و پا (Amputation) و جراحی های مغز مهارت داشته باشند.

در آن زمان نیز همانند امروز اروپا، معمول بود که در جراحیهای مهم، طبیعی معاونت (Assistant) جراح را بکنند، پروتکل تهیه بشود، یکی مامور بیهوشی باشد، یکی نبض بیمار را کنترل کند و دیگری به عمل جراحی پردازد.

- علی بن عباس در مورد جراحی غدد سرطانی می گوید: کم اتفاق می افتد که دارو موثر باشد، باید تمام غده را از عضو جدا کنی، حوالی غده نیز بریده باشی، هیچیک از ریشه های غده باقی نماند، دقت کن که عصب و رگی را نببری، اگر رگی بریده شد فوری آن را ببند مبادا خونریزی محل جراحی را بگیرد، هرگاه غده ای درآوردی محل را با انگشت جستجو کن مبادا غده های

کوچکتری باقی باشد، محل بریده را جفت کن و با پی (tendon) گریه بخیه بزن و با پارچه ای که در شراب خیس شده باشد روی زخم را ببند تا مبادا چرک کند. . . البته پیش از عمل باید از وضع روحی و جسمی و سابقه بیمار سؤال کرده باشی، قدرت شنوایی و ذهنی او را آزمایش کرده باشی. . . دوباره (پس از عمل) شنوایی و بینایی او را آزمایش کن، زبان بیمار را ببین، قدرت عضلات او را آزمایش کن، به حرکاتش توجه کن، کار قلبش را مورد توجه قرار بده، کبد و کلیه اش را با دست خویش معاینه کن، ادرار و مدفوع او را دقیقاً آزمایش کن و . . .

- رازی برای امتحان از جراحی که می خواست چشم او را عمل کند می پرسید چشم چند لایه دارد؟ پزشک دستپاچه می شود و رازی می گوید: کسی که این را نداند نباید وسایل جراحی را در چشم من بکار برد.

- علی بن عباس اولین کسی است که حرکات رحم را که جفت را بیرون میدهد، کشف کرده و درباره زخم گردن رحم، سرطان این ناحیه نوشته هایی بجای گذاشته است. . . او هزار سال جلوتر از داروین از اصل انواع. . . صحبت می کند.

- ابن سینا. . . التهاب استخوان (osteoit)، التهاب آبشامه مغز (menigit)، روش معاینه تجزیه ای differential diagnostic برای تشخیص امراض Geninek starre. . . چنان واضح و کامل شرح داده است که ما امروز تقریباً بهتر از او نمی توانیم شرح کنیم.

- ابن سینا گفته است: ظهور سرطان در یک عضو، نشانه سرطانی شدن اعضا مختلف (metastas) بدن



بیمار خواهد بود.

- یک جراح اندلسی بنام ابوالقاسم متولی ۱۰۱۳ م، با شرح امراض خون در پیشرفت طب کمک کرد... همو، رماتیسم مفصلی و سل ستون فقرات را ۷۰۰ سال پیش از P.pott انگلیسی (سده ۱۸م) که بالاخره هم بنام او مشهور شد، بررسی و شرح داده بود.

- ابوالقاسم نه تنها تغییرات مهمی در جراحی عمومی داد، بلکه در مورد سوزاندن زخمها، خوردن کردن سنگ مشانه در داخل مشانه، شکافتن جسد (otopsy) و... پیشرفتهایی را سبب شد... او جراحیهای زایمانی، وضعیت های مختلف زایشهای غیر طبیعی، روش زایمانی که امروزه بنام روش soranus و walcher (۱۸۵۵ - ۱۹۳۵م) معروف است و طریقه جراحی فرج vaginal stein operation را یاد می دهد.

- او (ابوالقاسم زهراوی) طریقه جراحی نقصهای ساختمانی دهان و فک را شرح می دهد و نوکر خودش را با همین روش معالجه می کند... او ۶۰۰ سال قبل از آمبرواز پاره Amberoid pare فرانسوی (سده ۱۷م) به بستن رگهای بزرگ خونی و جراحی عروق مبادرت می کند و قطع دست و پا را علمی تر انجام می دهد... او سه نوع دوختن K.Naht، U.Naht و A.Naht (اومشلونگن، کورشنر، آختسر) را برای دوختن شکم یاد می دهد... او دوخت دو سوزن با یک نخ، دوختن با نخ catgut تعیین وضعیت خاص بیمار برای دوختن محل جراحیهای زیر ناف (روش Terendelenburgschen Bage، ۱۹۲۴م)، روش گچ گیری پنجره دار و... را با دقت شرح می دهد و شخصاً

بکار می بندد.

- از ابوالقاسم مقدار زیادی نقشه و وسایل جراحی (قریب ۱۲۰ وسیله) بجای ماند که بدست خالی جراحان چشم، دندانپزشکان و شکسته بندهای اروپایی افتاد. دانشمندان اسلامی در Orthopedie کارهای عالی انجام دادند. برای جا انداختن کتف روشی اختراع کردند که امروز هم به Arabian Method موسوم است... رازی و ابن سینا بکار بردن نخ هایی که از جنس مو ساخته شده بود، در جراحی باب کردند... هنگام آماده کردن مریض برای عمل جراحی از وسایل بیهوشی معمولی (استفاده از اسفنج های آغشته به شراب و بنگ در جلوی بینی و دهان بیمار) استفاده می کردند که این کشف هم بحساب یک طبیب اروپایی گذاشته شد.

- روش جلوگیری از چرک کردن محل جراحی از طب اسلامی به شمال ایتالیا (و سراسر اروپا) راه یافت در حالیکه افکار اروپائیان هنوز بر پایه تئوری 'نحس یونانی عناصر اربعه استوار بود و چرک کردن زخم را طبیعی و حتی مفید می دانستند، ابن سینا روش عکس آن را ارائه داد، چیزیکه تاثیر قوی ضد عفونی آن را Masquelier فرانسوی در ۱۹۵۹م مجدداً کشف کرد.

- بعد از کتب رازی، یکی از جراحان اسلامی (ابوالقاسم زهراوی) کتاب التعریف لمن عجزان لیف را می نویسد که بخش سوم آن بعدها، پایه جراحی سراسر اروپا می گردد و بعنوان بخشی مستقل که بر اساس علم Anatomy بنا گردیده بر علیه تمام تحریم ها و تحقیقات و خرافات مسیحیان اروپایی قد علم می کند و جراحی جای خود را در میان بخش های

دیگر طب (اروپا) باز می کند (۷).

نتیجه:

ابن سینا موفق شد بر شهرت یونان قدیم (و روم) سایه بیافکند. ابن دومین دانشمند ایرانی است که در کنار رازی، از دیوار سالن دانشگاه طب پاریس به پایین نگاه می کند. ابن سیناست که بزرگترین معلم پزشکی برای اروپائیان در طول مدت ۷۰۰ سال می باشد (۸).

- در قرن دوازدهم، یعنی پس از مرگ ابن سینا و ابن هیثم و... کنستانتین آفریقایی به شرق سفر کرد و آثار پزشکی مسلمانان را به ایتالیا برد و در دیری نزدیک سالرنو ایتالیا (بعدها اولین دانشگاه اروپا گردید) به ترجمه آنها پرداخت و تمام نامهای دانشمندان مسلمان را با خیال راحت از آنها حذف کرد، نام خودش را در جای آنها قرار داد... خلاصه کنستانتین یک چنان دزد زبردستی بود که در حین اینکه جیبهای خود را می انباشت «دزد را بگیر» فریاد می کرد... بعدها قلب او بر ملا شد اما چندان هم مورد سرزنش اروپائیان قرار نگرفت (۹).

- در اثر ترجمه کتابهای طبی عربی، علم طب اسلامی به اروپا وارد شد و با این عمل، پزشکی قرون وسطی را از خواب مرگ بیدار کرد و روح تازه ای به آن داد... جنگ های صلیبی وسیله دیگری بود که اروپا با طب اسلامی آشنا بشود و از آن چیزهای زیادی بیاموزد و بعدها موجبات تجدید حیات علمی (Reonesance) را فراهم نماید (۱۰).

- جراحی نیز سرنوشت مشابهی داشت و با اقدام جهادگونه افرادی چون هوگو و پزشکان دیگریکه در جنگ های صلیبی شرکت کرده و جراحیهای حیرت انگیز مسلمین را دیده بودند، اروپا را از



خواب بیدار کرد. پس از ۳۰۰ سال (۱۱).

- در ضمن مطالعه آثار و احوال و آشنایی با پزشکان ایرانی دورانهای گذشته واقعیت ثبات و پایداری فکر و دانش بشری که ماوراء هر گونه حدود نژادی و مکانی و زمانی است، عمیقاً مشاهده کردم و همان خصایص و ملکاتی که هر کس وارد حرفه شریف پزشکی بشود باید دارا باشد، بحد و فور در آنها یافتم (۱۲).

- هر که بر این دو بزرگوار (ابن سینا و رازی) اعتراض کرد، خود را از زمره اهل خسر دبیرون آورد و در سلک اهل جنون ترتیب داد (۱۲).

خدا کند که ما - بویژه دانشجویان علوم پزشکی - از زمره اهل خرد باشیم

و در سلک اهل جنون قرار نگیریم. نه تنها بر آن دو بزرگوار (رازی و بوعلی) اعتراض نکنیم، بلکه کتب این بزرگان و سایر پزشکان ایرانی و مسلمان را در کنار کتب جدید مورد بررسی و پژوهش قرار بدهیم و در سایه تسامح و تساهل ائمه مسلمین، از شرایط استثنایی حاکم بر بشریت آستانه قرن بیست و یکم - که در قفس تنگ و شوم فرهنگ مادی و ضد انسانی مهاجم غرب گرفتار شده و راه فرار و پرواز را می جوید سود جسته و به خویشتن خویش بازگردیم.

بی تردید جوانان روزگار ما (چه در شرق و چه در غرب) در اندیشه‌های از سلطه فرهنگ ماشینی و غیر انسانی حاکم بر جهان هستند. اگر با اندیشه و روشهای علمی و فارغ از وابستگی‌های

نژادی و قومی و دینی و... بیاری آنها بشتابیم، آیندگان درباره ما همان خواهند گفت که ما درباره پیشینیان خود در چند سده اخیر می گوئیم و از خواب مرگ گونه آنان رنج می بریم.

مردمان شرق - بویژه امت‌های اسلامی - از خواب برخاسته اند لیکن خناسان و وسواسان آنها را به خواب غرب زدگی می خوانند، مبادا از کرختی و آشفتگی موجود بهره گیرند و مجدداً ما را به خواب کنند!

شستشوی سیمای پدران اندیشمندانمان همراه با ورزش نسیم بامدادی سالهای اخیر، ما را از شر عدم اعتماد به خویش‌های خواهد داد. انشاء...

کتابنامه:

۱ - نصر، سید حسین، علم در اسلام، ترجمه احمد آرام، صص، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۶۶، صص، ۱۶۳ - ۲۰۰

[Islamic science, part 4, world of Islam festival pub. co Ltd, London, 1976]

همو:

علم و تمدن در اسلام، احمد آرام، انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۵۹، صص ۱۷۵ - ۲۲۰

۲ - تقی زاده، سیدحسین، مجموعه مقالات، بخش ۱۵، زرتشت، منقول از مجله «یادگار»، شماره ۸-۹، سال پنجم، ۱۳۲۸، صص ۴۴۸-۴۶۵.

۳ - الگود، سیریل، تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه دکتر باهر فرقانی، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۱، صص ۲۲-۴۴.

۴ - کلود آکن، تاریخ پیدایش و تکامل جراحی، ترجمه دکتر غلامرضا افشار نادری، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۹، صص ۸-۱.

[claude D'Allaines, Histoire Dela Chirurgie, France, 1984]

۵ - علامه آیت... حسن زاده آملی، رساله تشریح و... (جراحی پیوند اعضا) مجموعه مقالات اولین کنگره آناتومی ایران، ویرایش دکتر امامی میبدی، معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمان، ۱۳۷۲، جلد اول، صص ۲۲-۷۲.

۶ - براون، ادوارد، تاریخ اسلامی، ترجمه مسعود رجب نیا، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۴، صص ۵۵، ۵۶، ۸۹، ۹۰، ۱۰۹، ۱۲۷، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۸.

[Edward G. Brown, Arabian Medicine, 1921 (Copyright 1985, printed at Iran),]

۷ - هونیکه، زیگرید، فرهنگ اسلام در اروپا، ترجمه مرتضی رهبانی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۶، جلد دوم صص ۵۰، ۵۱، ۵۸، ۶۱، ۶۲، ۶۸، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۶، ۷۷، ۸۵، ۱۱۲، ۱۳۳، ۱۳۴.

۸ - همان، صص ۱۵۰.
۹ - همان، صص ۱۶۱.
۱۰ - همان، صص ۱۶۶.
۱۱ - همان، صص ۱۶۶.
۱۲ - براون، ادوارد، همان، صص ۱۶۴ و صص ۹۹.

همچنین:

فتزمر، گرهارد، پنج هزار سال پزشکی، ترجمه سیاوش آگاه، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۶، ج۱.

[Venzmer G., five thousand years of Medicin, copyright 1987, printed at Iran].